

فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)
سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵ (پیاپی ۱۳)

بررسی رابطه بین اعطای تسهیلات بانکی و نوسانات تولید در ایران (طی دوره ۹۳-۱۳۸۵)^۱

امیر جباری^۲ و فهمیده قربانی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۹/۱۳

چکیده

هدف این مطالعه، بررسی تأثیر اعطای تسهیلات بانکی بر نوسانات تولید می‌باشد. به این منظور، از اطلاعات مربوط به بانک‌های کشور (در سه دسته‌بندی بانک‌های تجاری، تخصصی و بانک‌های غیردولتی) طی دوره زمانی ۹۳-۱۳۸۵ به صورت داده‌های فصلی استفاده شده است. آزمون مطالعه لیمر، و داده‌های مورد استفاده از نوع داده‌های ترکیبی، و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز رگرسیون به ظاهر نامرتب یا SURE می‌باشد، به این صورت که سه معادله برای بانک‌های تجاری، تخصصی و غیردولتی به طور همزمان برآورد گردید. نتایج، نشان می‌دهد طی دوره مورد مطالعه تسهیلات اعطایی بانک‌های کشور که به صورت بانکداری بدون ربا (بانکداری اسلامی) فعالیت می‌کنند، بر ثبات اقتصادی تأثیر معنی‌داری نداشته است. در پایان مطالعه، نتیجه حاصل از برآورد مدل مورد بحث قرار داده شده و علت اینکه برخلاف نتایج

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/edp.2018.17198.1110

۲. عضو هیات علمی گروه اقتصاد دانشگاه زنجان؛ Amir_jabbari@znu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد اقتصاد (نویسنده مسئول)؛ F_ghorbani@znu.ac.ir

حاصل از مطالعات در کشورهای دیگر، عملیات بانکداری اسلامی در ایران بر ثبات اقتصادی تأثیر معنی‌داری نداشته، تجزیه و تحلیل گردیده و نشان داده شده است به رغم وجود قوانین بانکداری اسلامی، بانک‌های کشور در اجرای آنها تلاش نمی‌کنند.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، نوسانات تولید، روش SURE،

داده‌های تلفیقی

طبقه‌بندی JEL: C33, C58, E32, G21

۱. مقدمه

اهمیت تکانه‌های تقاضا (مانند سیاست‌های پولی و مالی) در برابر تکانه‌های عرضه (مانند بهره‌وری، عرضه نیروی کار و اصلاحات ساختاری) در نوسانات تولید، یک مقوله حل نشده در اقتصاد کلان تجربی و نظری محسوب می‌شود. یکی از ارکان توسعه اقتصادی، افزایش تولید و سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون اقتصادی است. ارتقای سطح تولید نیز مستلزم فراهم شدن زمینه‌های آن، بویژه تأمین منابع مالی لازم برای تأسیس، راه‌اندازی و حفظ خط‌های تولید است. صنعت بانکداری در جایگاه یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان منابع مالی برای بخش تولید، نقش مهمی در برآورده کردن این نیاز دارد.

مصرف منابع، به کارگیری آنها در فعالیت‌های مختلف اقتصادی جامعه، اعم از تجاری و تولیدی است. در سیستم بانکداری متعارف، عمده موارد مصرف منابع بانک‌ها، اعطای اعتبارات، وام‌های تولیدی و صنفی به اشخاص حقیقی و حقوقی، تنزیل اسناد تجاری و مشارکت در سرمایه مؤسسات تولیدی و خدماتی می‌باشد. در نظام بانکداری بدون ربا، توزیع منابع بانک‌ها از طریق عقود اسلامی صورت می‌گیرد. این عقود متضمن روش‌های اجرایی است که بانک‌ها می‌توانند تسهیلات مورد نیاز مشتریان را در چارچوب قراردادهای و معاملات اسلامی تنظیم کنند و در اختیار آنان قرار دهند (محرابی، ۱۳۹۰). در واقع، ایده بانکداری و تأمین مالی اسلامی که نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد، بر یک اصل کلی استوار است و آن تحریم ربا است و شارع مقدس اسلام به روشنی، معاملات ربوی را در آیات و روایات بسیار، نفی می‌کند.

تأمین مالی از طریق عقود مشارکتی، با توجه به خصوصیات این نوع عقود می‌تواند تأثیر زیادی در متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد؛ در عقود مشارکتی به دلیل مشارکت تقاضاکننده و تأمین‌کننده وجوه در سود و زیان پروژه‌ها، نوسانات و بی‌ثباتی‌ها کاهش می‌یابد. این در حالی است که یکی از چالش‌های پیش روی اجرای قانون بانکداری بدون ربا که در سال‌های اخیر بروز و ظهور بیشتری داشته، گرایش کم نظام بانکی به استفاده از عقود مشارکت محور بوده است. اگرچه یکی از هدف‌های سیاستگذاران بانکداری بدون ربا آن بوده که فعالیت‌های بانکداری اسلامی به سمت استفاده از عقود مشارکتی مانند مضاربه و مشارکت سوق داده شود (احمد^۱، ۲۰۰۵)، اما روند اعطای تسهیلات بانک‌ها در سال‌های اخیر، خلاف این ادعا را ثابت می‌کند. هدف این مطالعه، بررسی رابطه بین اعطای تسهیلات بانک‌ها (در قالب عقود اسلامی) و ثبات اقتصادی در ایران است. به این منظور، ابتدا پیشینه موضوع و مطالعات انجام شده در این زمینه بررسی می‌شود، سپس، مبانی نظری مطرح و در بخش بعد، روش تحقیق و نتایج حاصل از برآورد مدل بیان شده و با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد، به پایان می‌رسد.

۲. پیشینه تحقیق

مطالعات صورت گرفته در خصوص بانکداری اسلامی بسیار محدود است و تحقیقات انجام شده نیز عمدتاً به صورت کیفی و تحلیلی به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر اقتصاد واقعی و چالش‌های پیش روی بانکداری اسلامی پرداخته‌اند. در این بخش، سعی بر آن است که تعدادی از مطالعات انجام شده مرتبط با موضوع تحقیق بیان شود. براساس مطالعه صورت گرفته توسط دار و پرسلی^۲ (۲۰۰۰)، بانکداری اسلامی تابعی از تسهیم سود و زیان است و در صورت به عهده گرفتن ریسک توسط بانک، سرمایه‌گذار ریسک کمی را متحمل می‌شود.

مطالعه دیگری که توسط هاسون^۳ (۲۰۰۲) صورت گرفته، به بررسی سودآوری بانک در چرخه نرخ بهره پرداخته است. این تحقیق عنوان می‌کند عملکرد بانک‌های متعارف بر مبنای نرخ بهره و عملکرد بانک‌های اسلامی براساس تسهیم سود و زیان می‌باشد.

1. Ahmed
2. Dar and Presley
3. Hassoune

همچنین هاسون به مقایسه نوسانات دو فاکتور بازده دارایی‌ها و بازده سرمایه صاحبان سهام در سه کشور کویت، قطر و عربستان سعودی می‌پردازد. نتایج حاکی از این است که مادامی که بانکداری اسلامی برپایه تسهیم سود و زیان است، مدیریت بایستی بازده بالایی برای سرمایه‌گذاری‌ها ایجاد کند؛ چرا که آنها تمایلی به پذیرش سود ندارند و نیت آنها مبتنی بر اصول و اخلاق اسلامی است.

سارور و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر بانکداری اسلامی بر توسعه اقتصادی در پاکستان پرداختند. این مطالعه با استفاده از پرسشنامه، از نظرات مصاحبه شونده‌گان برای بررسی ارتباط بین بانکداری اسلامی و توسعه اقتصادی استفاده کرده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که بانکداری اسلامی در پاکستان تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی داشته است. بنابراین بانک‌های اسلامی می‌توانند نقش مهمی در اقتصاد پاکستان ایفا کنند.

تابش و دانکار^۲ (۲۰۱۴) در مطالعه خود، همبستگی بین توسعه مالی بانک‌های اسلامی و رشد اقتصادی را در امارات متحده عربی بررسی کردند. به این منظور از اطلاعات سری زمانی طی دوره ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ استفاده شده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد تأمین مالی بانک‌های اسلامی به افزایش سرمایه‌گذاری در بلندمدت در امارات کمک می‌کند.

الفواز و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در مطالعه خود به بررسی تأثیر تأمین مالی اسلامی بر برخی از متغیرهای کلان اقتصادی طی دوره ۲۰۱۱-۲۰۰۰ در اردن پرداختند. آنها با استفاده از چهار مدل رگرسیون فروض مربوط به تحقیق را بررسی کردند. تجزیه و تحلیل نتایج حاصل نشان می‌دهد که رابطه بین تأمین مالی اسلامی و GDP، سرمایه‌گذاری داخلی و همچنین رشد اقتصادی، مثبت و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. بنابراین تأمین مالی اسلامی به طور معنی‌داری سطح فعالیت‌های اقتصادی را ارتقا می‌دهد و همچنین از توسعه اقتصادی نیز حمایت می‌کند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مدل‌های رگرسیون همچنین نشان می‌دهند رابطه بین تورم و تأمین مالی اسلامی منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد؛ یعنی تأمین مالی اسلامی ضمن افزایش تولید کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه، سطح عمومی قیمت‌ها را کاهش خواهد داد.

1. Sarwer, *et al.*

2. Tabash and Dhankar

3. Al-Fawwaz, *et al.*

رضایی (۱۳۸۴) به دنبال ثبات اقتصادی در پوتو حضور بانکداری بدون ربا به این نتیجه می‌رسد که اصلی‌ترین تفاوت بانکداری غیرربوی، حضور در بخش حقیقی اقتصاد است و هر نوع شیوه بانکداری غیر ربوی مثل بانکداری مبتنی بر مضاربه یا مشارکت و یا فروش اقساطی و یا مرابحه در محدوده بازارهای حقیقی فعالیت دارد؛ بنابراین رشد تقاضا و عرضه پول براساس رشد بخش حقیقی است و باعث ثبات بیشتر اقتصاد می‌شود. عیوضلو و میسمی (۱۳۸۷) در مقاله خود، به صورت نظری بر روی دو مورد از منافع اقتصادی که از اطاعت از قانون الهی درباره تحریم ربا (بهره) مورد انتظار است، یعنی ثبات و کارآیی، تمرکز می‌کنند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف با ثبات‌تر و کارا تر بوده و به علل گوناگون رشد بیشتری را نیز نوید می‌دهد. در کل می‌توان گفت یک محیط اقتصادی اسلامی که به جای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقود مشارکتی و مبادله‌ای استفاده می‌کند، به علل گوناگون، پیشرفت و توسعه اقتصادی بیشتری را در پی خواهد داشت و با بحران‌های کمتر و کوتاه‌تری روبه‌رو خواهد بود.

در مطالعه ای که توسط احمدی حاجی آبادی و بهاروند (۱۳۹۰) انجام شده، آنها ضمن بیان وضعیت موجود نظام بانکداری اسلامی و اجرای عقود مشارکتی با استفاده از تجزیه و تحلیل آماری، به بررسی چالش‌های پیش روی بانک‌ها پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه، نشان می‌دهد راه‌حل مشکلات اجرای عقود مشارکتی، استفاده از ساز و کار بازار سرمایه است، برای این امر، تشکیل گسترده صندوق‌های سرمایه‌گذاری پیشنهاد شده است. در واقع، صندوق‌های سرمایه‌گذاری وابسته به بانک‌ها، به صورت راهکار بهینه برای اجرای دقیق و مناسب عقود مشارکتی مطرح شده است.

سایه میری و همکاران (۱۳۹۳) در تحلیلی بر ثبات اقتصادی در بانکداری بدون ربا، در پی شناخت کارآیی و ثبات اقتصادی در بانکداری اسلامی بوده‌اند. نتایج نشان داد که بانکداری اسلامی، اگرچه در حوزه عمل با مشکلاتی مواجه است، لیکن با در نظر گرفتن تأثیر منفی ربا در سیستم‌های بانکداری امروزی، اجرای شیوه صحیح و کارشناسی شده بانکداری اسلامی منجر به کارآیی نظام بانکی، رشد و توسعه اقتصادی کشور شده که در نهایت، رفاه نسبی جامعه را به دنبال خواهد داشت. همچنین بانک‌ها در سیستم بانکداری بدون ربا ضمن رشد و شکوفایی اقتصادی، نقش مؤثری در کاهش نرخ بیکاری، کاهش تورم و کاهش نوسانات اقتصادی دارند که همه نشان از ثبات و کارآیی برتر نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری ربوی دارد.

۳. مبانی نظری

پس از ارائه گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۱، ضرورت و اهمیت ثبات اقتصاد کلان مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان قرار گرفت. نتایج این گزارش نشان داد که کشورهایی که ثبات اقتصادی بیشتری داشته و در آنها سیاست‌های دولت به صورت مناسب اجرا شده است، عملکرد بهتری نسبت به کشورهای بی‌ثبات داشته‌اند. ثبات اقتصاد کلان، پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری خصوصی را افزایش داده و با تقویت رقابت‌پذیری صادرات، تراز پرداخت‌ها را بهبود می‌بخشد و بنابراین می‌توان از آن، به عنوان مبنای اساسی رشد پایدار اقتصادی تعبیر نمود؛ زیرا رشد پایدار اقتصادی مستلزم کارکرد آزاد و رقابتی قیمت‌ها و ایجاد یک محیط امن اقتصادی برای تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد. همچنین ثبات اقتصاد کلان در جهت سیاست‌های اقتصادی و اعتبار متولیان پولی و مالی کشور در مدیریت کارآمد اقتصادی برای بخش خصوصی، علائم مهمی به دنبال دارد و موفقیت هرگونه برنامه آزادسازی و اصلاحات مالی و سیاست‌های تعدیل، مستلزم ثبات اقتصاد کلان می‌باشد (ناهدی امیرخیز، ۱۳۹۲).

نظام بانکی در ساختار اقتصادی هر کشوری در جایگاه مدیریت توزیع منابع پولی در میان فعالان بخش خصوصی و همچنین بازوان اجرایی نهادهای ناظر بر اقتصاد برای کنترل و هدایت نقدینگی در جامعه قرار دارد. از این رو، تطبیق روشها و الگوهای استفاده شده در این نظام با اصول اسلامی، در واقع به معنای انطباق سازوکارهای توزیع منابع مالی و سیاست‌های پولی با قواعد دینی و الهی است که در نهایت، به اسلامی شدن هرچه بیشتر روابط حاکم بر مناسبات اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی مردم می‌انجامد.

در بانکداری متعارف (ربوی)، سپرده‌گذاران، مسئولیت و ریسکی در قبال فعالیت‌های بانک ندارند و نتایج عملیات بانکی، سود باشد یا ضرر، نظام بانکی متعهد است در هر وضعیتی، اصل سپرده و بهره آن را در موعد مقرر به سپرده‌گذار بپردازد. در مقابل، بانکداری اسلامی، از یک سو بر تقسیم ریسک، داد و ستد فیزیکی کالا، درگیری مستقیم با تجارت و کار با استفاده از عقود شرعی استوار است و از سویی دیگر با مدیریت دارایی، به دنبال افزایش درآمد عمومی است. تقسیم ریسک و مدیریت آن برای دستیابی به حاکمیت مشارکت و همکاری در انجام پروژه‌ها، یکی از اهداف اساسی بانکداری اسلامی است (سایه میری و همکاران، ۱۳۹۳).

اجرای واقعی و دقیق عقود مشارکتی، به خودی خود می‌تواند امتیازها و نتیجه‌های مطلوبی را برای اقتصاد کشور به همراه آورد که از مهمترین آنها می‌توان به تطابق با عدل و قسط، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش تولید و عرضه کل، افزایش سرمایه‌گذاری و اشتغال و حل مشکلات ناشی از تمدید قراردادهای بانکی اشاره کرد (موسویان، ۱۳۸۱). این در حالی است که اگر از عقود مشارکتی واقعی استفاده شود، بانک باید وارد بخش واقعی اقتصاد شده و ریسک‌های مترتبه را نیز بپذیرد.

مطالعات مختلفی که در زمینه عقود اسلامی مخصوصاً عقود مشارکتی انجام شده است، نشان می‌دهند که تأمین مالی اسلامی نسبت به تأمین مالی متعارف باثبات‌تر است و از این رو، زمینه‌های کمتری برای ایجاد بحران‌های مالی فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت در چارچوب بانکداری اسلامی که به جای استفاده از بهره، به میزان مناسب از عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای و عقد قرض‌الحسنه استفاده می‌شود و اصول کلی خاصی مانند نفی غرر، نفی اکل مال به باطل و غیره مورد توجه قرار می‌گیرد، به دلایل مختلف، ثبات اقتصادی بیشتری مورد انتظار است (شایگانی و عبدالهی ارانی، ۱۳۹۰).

یکی از عواملی که در آسیب‌پذیری نظام مالی نقش دارد، ناهمسانی تعهدات وجوه پرداختی با تعهدات وجوه دریافتی است. از آنجا که تأمین مالی بانک‌ها، مؤسسات و نهادهای مالی در نظام مبتنی بر استقراض، منجر به شکل‌گیری حساب‌های سپرده عندالمطالبه می‌شود، سپرده‌گذاران در هر لحظه می‌توانند تقاضای اخذ وجوه خود را داشته باشند. به نظر می‌رسد که این مشکل در نظام تأمین مالی اسلامی در سطح پایین‌تری وجود داشته باشد؛ زیرا در این نظام، بخشی از عقود به صورت مشارکتی بین سپرده‌گذاران و بانک، از یک سو و بین بانک و سرمایه‌گذاران، از سوی دیگر منعقد می‌شود. زمانی که بانک در هر دو طرف (تجهیز و تخصیص)، از رابطه‌ای مشارکتی استفاده کند، به صورت طبیعی بین تعهدات پرداختی به سپرده‌گذاران (بدهی‌های بانک) و تعهدات دریافتی از سرمایه‌گذاران (دارایی‌های بانک)، هم مقداری و هم‌زمانی ایجاد می‌شود و از این رو، بانک چندان با چالش عدم تطابق که در بالا گفته شد، مواجه نخواهد بود. همچنین در این شرایط، سطح رویارویی بانک، با تهدید ناتوانی در پرداخت دیون نیز کاهش می‌یابد؛ چرا که در این شرایط، انگیزه سپرده‌گذاران برای هجوم به بانک در شرایطی که اخبار و شایعاتی در رابطه با زیان مؤسسه در برخی از

سرمایه‌گذاری‌های آن وجود داشته باشد، کمتر می‌شود. از این رو، بخش کمتری از سپرده‌گذاران برای خارج کردن وجوه خود هجوم می‌آورند. دلیل این امر، این است که آن دسته از سپرده‌گذارانی که به چنین امری مبادرت می‌ورزند، باید به عنوان موکل در عقد وکالت، بخشی از ضرر وارده به بانک را تحمل کنند؛ اما آن دسته از سپرده‌گذاران که تا پایان یافتن این شرایط بد صبر می‌کنند، می‌توانند امیدوار باشند که بخشی از این ضرر، در آینده و با بهبود سرمایه‌گذاری‌های بانک جبران شود. در مورد عقود مبادله‌ای نیز به نظر می‌رسد که استفاده از عقود مبادله‌ای در طرف دارایی، تا زمانی که در طرف بدهی و جذب سپرده، از عقود وکالتی استفاده شود، تطابق ایجاد شده بین تعهدات پرداختی و دریافتی مؤسسه را بر هم نمی‌زند و این ویژگی عقود مشارکتی در اینجا هم محفوظ است. علت این امر، آن است که در این حالت همانند حالت قبل، بانک فقط در صورتی که به سود دست یابد، لازم است طبق عقد وکالتی که با سپرده‌گذار دارد، سهمش را بپردازد. اما باید اذعان کرد که استفاده از عقود مبادله‌ای در طرف بدهی بانک، منجر می‌شود که ویژگی بانکداری اسلامی در کاهش ناهمسانی مورد بحث، کاهش یابد (عیوضلو و میسمی، ۱۳۹۰).

یکی از عوامل عمده‌ای که به آسیب‌پذیری نظام مالی دامن می‌زند، شوک‌های واقعی اقتصاد است. در واقع در نظام متعارف، امکان آن وجود دارد که سود انتظاری بالا رود، ولی هزینه تأمین مالی ثابت باقی بماند و لذا، تقاضا برای تأمین مالی افزایش شدید یابد و یا برعکس، سود انتظاری پایین آمده ولی هزینه تأمین مالی ثابت باقی بماند و از این رو، تقاضا برای تأمین مالی کاهش شدید یابد. اما در نظام تأمین مالی اسلامی، سطح رویارویی با این مشکل پایین‌تر است. دلیل این امر، آن است که استفاده از عقود مشارکتی در این نظام منجر به آن می‌شود که جهت حرکت هزینه هر واحد سرمایه (سود تخصیص یافته به سپرده‌گذاران از طرف بانک به عنوان وکیل)، منطبق با جهت حرکت سود سرمایه شود؛ زیرا در این نظام، سودها براساس تفاهم طرفین و بر مبنای سهم‌الشرکه آنان تعیین می‌شود. از این رو، در صورت انتظار افزایش سود تحقق یافته، کارفرما (تسهیلات‌گیرنده) می‌داند که تمام افزایش‌های پدید آمده از آن وی نبوده و بخشی از این افزایش سود به صاحبان سرمایه خواهد رسید. بنابراین، به نوعی هزینه تأمین مالی نیز همراه با افزایش سود، بالا رفته و این امر در مهار افزایش شدید تقاضای تأمین مالی از سوی کارفرمایان در شرایط رونق اقتصادی مؤثر است. همچنین در صورت

کاهش سودهای انتظاری، کارفرما می‌داند که در صورت تحقق انتظارات، بخشی از این کاهش را صاحب سرمایه متحمل می‌شود. بنابراین، هزینه تأمین مالی همراه با کاهش سود، کاهش یافته و نظام مالی، دیگر شاهد کاهش شدید تقاضای مالی از سوی کارفرمایان در دوران رکود اقتصادی نخواهد بود. نتیجه این رویداد، به وجود نیامدن افزایش و کاهش شدید در تقاضای تأمین مالی در پی شوک‌های اقتصادی و تغییر سودهای انتظاری است که این عامل، خود بر کاهش آسیب‌پذیری نظام مالی می‌افزاید. همچنین در نظام بانکداری متعارف، اگر در یک بانک، فرد سپرده‌گذار پیش‌بینی کند که سایر سپرده‌گذاران قصد بازپس‌گیری سپرده‌های خود را دارند، این فرد احتمال ورشکستگی آن بانک را داده و همین امر برای وی، انگیزه اخذ سپرده‌اش از آن بانک را ایجاد می‌کند. اما در نظام بانکداری اسلامی، برخی از عقود بر اساس مشارکت در سود و زیان انجام می‌شوند و لذا در شرایطی که احتمال ورشکستگی بانک برود، رفتار انبوه‌وار افراد در هجوم به بانک کمتر رخ می‌دهد، زیرا با برقراری عقود مشارکتی در بازار مالی، برای سپرده‌گذار امکان بازپس‌گیری سرمایه در بازار اولیه محدود شده و غالباً این امکان در بازار ثانویه برای وی فراهم می‌شود. از این رو، با اطلاع یافتن سپرده‌گذار از وقوع مشکل برای مؤسسه تأمین مالی شده و پیش‌بینی وی مبنی بر ورشکستگی مؤسسه در آینده نزدیک، امکان هجوم به مؤسسه تقلیل یافته و مؤسسه مذکور، بهتر می‌تواند با برنامه‌ریزی و مدیریت سرمایه به گذر از مشکل اقدام نماید (عیوضلو و میسمی، ۱۳۹۰).

با توجه بررسی ثبات اقتصادی در پرتو بانکداری غیرربوی توسط سایه میری و همکاران (۱۳۹۳)، عیوضلو و میسمی (۱۳۹۰) و رضایی (۱۳۸۴)، در این مطالعه، قصد بر این است که به بررسی تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌ها - که به صورت مشارکتی و مبادله‌ای اعطا می‌شوند - بر نوسانات تولید پرداخته شود.

۴. روش تحقیق

آمار و داده‌های استفاده شده در این مطالعه، از بانک مرکزی و مرکز آمار استخراج شده است. الگوی مورد بررسی در این مطالعه را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

$$gdp_{it} = \alpha + \beta_{1t}(MO)_{it} + \beta_{2t}(MB)_{it} + \beta_{3t}(inf)_{it} + \beta_{4t}(rloan)_{it} + \beta_{5t}(rtax)_{it}\varepsilon_{it}$$

که در آن:

gdp_{it} : نوسانات تولید ناخالص داخلی (شاخص ثبات اقتصادی)

$(MO)_{it}$: تسهیلات مشارکتی بانکها

$(MB)_{it}$: تسهیلات مبادله‌ای بانکها

$(inf)_{it}$: نرخ تورم

$(rloan)_{it}$: نرخ بهره تسهیلات

$(rtax)_{it}$: نرخ مالیات

همان‌طور که ملاحظه می‌شود و با توجه به الگو، در این مطالعه به منظور بررسی رابطه بین تسهیلات اعطایی بانکها و ثبات اقتصادی، از اطلاعات مربوط به تسهیلات مشارکتی و مبادله‌ای بانکهای کشور، به صورت داده‌های ترکیبی استفاده شده است. در واقع در این مطالعه، سه نوع بانک تجاری، تخصصی و غیردولتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، رگرسیون به ظاهر نامرتب^۱ می‌باشد.

روش برآورد SURE زمانی کاربرد دارد که دوره زمانی از تعداد واحدهای مقطعی بیشتر باشد، همچنین برای اینکه بتوان از این روش استفاده کرد، می‌باید جملات خطای معادلات با همدیگر همبستگی داشته باشند. برآورد مدل داده‌های تجمیعی^۲ به روش SURE، به این صورت است که روش حداقل مربعات معمولی^۳ را به صورت جداگانه برای هر کدام از مقاطع و به صورت همزمان انجام می‌دهد. بنابراین، می‌توان الگوهای برآوردی مطالعه حاضر به روش SURE را به صورت زیر بیان کرد:

$$\begin{aligned} gdp_{1t} &= \alpha + \beta_{1t}(MO)_{1t} + \beta_{2t}(MB)_{1t} + \beta_{3t}(inf)_{1t} + \beta_{4t}(rloan)_{1t} \\ &\quad + \beta_{5t}(rtax)_{1t} + \varepsilon_{1t} \\ gdp_{2t} &= \alpha + \beta_{1t}(MO)_{2t} + \beta_{2t}(MB)_{2t} + \beta_{3t}(inf)_{2t} + \beta_{4t}(rloan)_{2t} \\ &\quad + \beta_{5t}(rtax)_{2t} + \varepsilon_{2t} \\ gdp_{3t} &= \alpha + \beta_{1t}(MO)_{3t} + \beta_{2t}(MB)_{3t} + \beta_{3t}(inf)_{3t} + \beta_{4t}(rloan)_{3t} \\ &\quad + \beta_{5t}(rtax)_{3t} + \varepsilon_{3t} \end{aligned}$$

که در آن، مقاطع ۱، ۲ و ۳ به ترتیب، بانکهای تجاری، غیردولتی و تخصصی اند.

۵. برآورد الگو

در این مطالعه، به منظور به دست آوردن نوسانات تولید (به عنوان شاخص ثبات اقتصادی)، تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت را با استفاده از روش گارچ^۴ برآورد کرده و نوسانات ایجاد شده، به عنوان نوسانات تولید در نظر گرفته شده است. دوره

1. Sure panel
2. Pooled data
3. OLS (Ordinary Least Square)
4. GARCH

زمانی مورد مطالعه ۹۳-۱۳۸۵ و اطلاعات به صورت فصلی می باشد. متغیر وابسته در این مطالعه، نوسانات تولید ناخالص داخلی و متغیرهای مستقل، تسهیلات مشارکتی و مبادله‌ای، نرخ بهره، نرخ تورم و نرخ مالیات هستند.

۵-۱. آزمون ایستایی متغیرها

ابتدا به منظور بررسی ایستایی متغیرها، از آزمون‌های فیشر^۱ - ایم - پسران - شین^۲ استفاده شده است. نتایج حاصل در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. نتایج آزمون ایستایی متغیرها

نام متغیر	نوع آزمون	P-Value	آماره آزمون
نوسانات تولید	آزمون فیشر	۰/۰۳	۱۳/۷۰
	آزمون پسران - شین	۰/۰۰۲	-۲/۸۴
تسهیلات مبادله‌ای	آزمون فیشر	۰/۰۰۰	۳۹/۰۱
	آزمون پسران - شین	۰/۰۰۱	-۳/۰۴
تسهیلات مشارکتی	آزمون فیشر	۰/۰۰۰	۳۸/۷۳
	آزمون پسران - شین	۰/۰۰۶	-۲/۸۴
نرخ بهره	آزمون فیشر	۰/۰۰۰	۳۴/۸۵
	آزمون پسران - شین	۰/۰۰۰	-۸/۰۶
نرخ تورم	آزمون فیشر	۰/۰۰۰	۳۱/۹۴
	آزمون پسران - شین	۰/۰۰۷	-۲/۴۴
نرخ مالیات	آزمون فیشر	۰/۰۰۱	۲۲/۱۰۹
	آزمون پسران - شین	۰/۰۰۸	-۲/۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های ایستایی، همه متغیرها ایستا می‌باشند. در بخش بعدی برای بررسی اینکه داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از نوع تابلویی یا ترکیبی هستند، از آزمون چاو^۳ استفاده می‌شود.

۵-۲. آزمون چاو (F - لیمر)

این آزمون که به آزمون معنادار بودن اثرات ثابت و نیز به آزمون معناداری مقطع‌ها معروف است، الگوی داده‌های تلفیقی^۴ را در مقابل الگوی داده‌های تابلویی^۵ بررسی می‌کند. فرض صفر این آزمون، یکسان بودن عرض از مبدأها بوده که همان الگوی

1. Fisher
2. Im-Pesaran- Shin
3. Chow test
4. Pooled data Model
5. Panel data Model

ترکیبی و فرض مقابل الگوی داده‌های تابلویی است. جدول شماره ۲، نتایج آزمون چاو را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتیجه آزمون چاو

مقدار آماره آزمون	P-value	آزمون چاو
۰/۵	۰/۶	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به نتیجه حاصل از آزمون چاو، در سطح معنی‌داری ۵ درصد، فرض صفر را نمی‌توان رد کرد و بنابراین، الگوی داده‌های این مطالعه از نوع داده‌های ترکیبی هستند. همان‌طور که گفته شد، در این‌صورت برای برآورد الگو، می‌توان روش حداقل مربعات را برای تک‌تک مقاطع و به‌طور هم‌زمان انجام داد که نتایج حاصل از برآورد مدل در جدول زیر آمده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از برآورد الگو با روش SURE

نوع بانک	نام متغیر	ضرایب	آماره t
بانک های تجاری	تسهیلات مشارکتی	۰/۰۶	۰/۵۶
	تسهیلات مبادله‌ای	-۰/۰۰۱	-۰/۲۹
	شاخص قیمت‌ها	۰/۰۰۱	۶/۷۲
	نرخ مالیات	۵/۹۵	۵/۳۱
	نرخ بهره	-۰/۰۲	-۴/۰۷
	عرض از مبدأ	۱/۱	۶/۰۹
	R-square : ۰/۵۸ F-statistic: ۸/۹۴		
بانک های غیردولتی	تسهیلات مشارکتی	-۰/۰۰۴	-۰/۱۴
	تسهیلات مبادله‌ای	۰/۰۰۰۱	۰/۰۱
	شاخص قیمت‌ها	۰/۰۰۱	۶/۴۵
	نرخ مالیات	۵/۹۹	۵/۱۱
	نرخ بهره	-۰/۰۲	-۳/۷۲
	عرض از مبدأ	۱/۱۱	۵/۷۵
	R-square : ۰/۵۷ F-statistic: ۸/۱۲		
بانک های تخصصی	تسهیلات مشارکتی	۰/۰۰۰۳	۰/۰۲
	تسهیلات مبادله‌ای	-۰/۰۰۹	-۰/۳۲
	شاخص قیمت‌ها	۰/۰۰۱	۶/۵۵
	نرخ مالیات	۵/۹۳	۵/۰۸
	نرخ بهره	-۰/۰۲	-۳/۸۷
	عرض از مبدأ	۱/۱۲	۵/۹۰
	R-square : ۰/۵۷ F-statistic: ۸/۵۱		

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یکی از شروط استفاده از روش رگرسیون به ظاهر نامرتب برای هر الگویی، وجود همبستگی بین جملات خطای معادلات می‌باشد؛ که برای آزمون وجود و یا عدم وجود همبستگی همزمان در جملات اخلاص سه معادله، از آماره آزمون لاگرانژ استفاده شده است.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون بروش - پاگان

آماره آزمون	P-Value	Q
۹۸/۶۳	۰/۰۰۰	آزمون بروش - پاگان

مأخذ: یافته‌های تحقیق

فرض صفر این آزمون، عدم وجود همبستگی و با توجه به نتیجه، مشخص است که فرض صفر این آزمون، قابل رد می‌باشد. بنابراین، بین جملات اخلاص هر سه معادله این مطالعه، همبستگی همزمان وجود دارد و می‌توان از روش SURE برای برآورد معادلات استفاده کرد.

خروجی حاصل از برآورد الگو در سطح معنی‌داری ۵ درصد و در دوره مورد بررسی، نشان می‌دهد نتایج برای هر سه نوع بانک یکسان بوده و به شرح زیر می‌باشد:

- در هر سه نوع بانک مورد مطالعه، رابطه بین تسهیلات مشارکتی و مبادله‌ای بانک‌ها و نوسانات تولید ناخالص داخلی، معنی‌دار نمی‌باشد.
- رابطه بین شاخص قیمت‌ها و نوسانات تولید مثبت و از لحاظ آماری، معنی‌دار می‌باشد. افزایش شاخص قیمت‌ها موجب افزایش نااطمینانی‌ها و همچنین افزایش هزینه‌های تولید می‌گردد و افزایش نااطمینانی در محیط اقتصادی و همچنین افزایش هزینه‌های مواد اولیه و تولید، می‌تواند موجب افزایش نوسانات تولید شود.
- رابطه بین نرخ مالیات و نوسانات تولید، مثبت و از لحاظ آماری، معنی‌دار می‌باشد. میزان مالیات، تصمیم خانوارها را در مورد میزان پس‌انداز، عرضه نیروی کار، میزان سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و همچنین تصمیم‌گیری بنگاه‌ها را در مورد میزان تولید، خلق موقعیت‌های شغلی جدید، سرمایه‌گذاری و نوآوری، و نیز تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران را در مورد کانال‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، افزایش در نرخ مالیات از طریق تأثیرگذاری بر متغیرهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، می‌تواند نوسانات تولید ناخالص داخلی را افزایش دهد.

- رابطه بین نرخ بهره و نوسانات تولید برای هر سه نوع بانک، منفی و از لحاظ آماری معنی دار است. در بانکداری ربوی، از آنجایی که قرض‌دهنده هیچگونه ریسکی را نمی‌پذیرد و در موعد مقرر، بهره سپرده خود را دریافت می‌کند، تمام ریسک متوجه وام‌گیرنده می‌باشد. از طرف دیگر، بانک نیز هیچ نظارتی بر کیفیت مصرف وام ندارد و شخص برخوردار از وجوه نقد، می‌تواند آن را در هر کاری استفاده کند. ممکن است در بازار حقیقی وارد و برای مصارف شخصی کالا بخرد یا آنکه برای کارگاه تولیدی خود، کالای واسطه یا مواد اولیه تهیه کند. متقاضیان براساس اینکه کدامیک از موارد فوق سود بیشتری دارد، دست به انتخاب می‌زنند و بانک تجاری هم تلاش می‌کند از سرمایه‌های خود برای کسب سود بیشتر بهره‌گیرد. هنگامی که نرخ بهره تسهیلات افزایش می‌یابد، افرادی که وام دریافت می‌کنند، وجوه دریافتی را در فعالیت‌هایی که بازدهی و سود زود هنگام و بیشتری برای آنها داشته باشد، صرف می‌کنند، و معمولاً بخش تولید بازدهی بلندمدت دارد و در بیشتر مواقع مخصوصاً در کشور ما، وجوه دریافتی از بانک‌ها وارد فعالیت‌های سوداگری می‌شود؛ بنابراین، با افزایش نرخ بهره تسهیلات، به دلیل اینکه بازدهی بخش تولید بلندمدت است، افراد وجوه خود را در فعالیت زودبازده صرف می‌کنند و از این رو، بخش تولید وارد دوره رکود می‌شود و نوسانات کاهش می‌یابند. با توجه به نتایج حاصل از برآورد الگو، رابطه بین نرخ بهره تسهیلات و نوسانات تولید منفی می‌باشد، یعنی با افزایش نرخ بهره، نوسانات تولید کاهش می‌یابد؛ چرا که وارد دوره رکود می‌شود.

۶. نتیجه‌گیری

عمده‌ترین تفاوت بانکداری متعارف و اسلامی در نحوه استفاده از پول است. در واقع در بانکداری متعارف، پول به عنوان یک کالا، به منظور کسب سود خرید و فروش می‌شود؛ در حالی که در بانکداری اسلامی از پول جهت تسهیل مبادلات و به منظور اجرایی کردن اهداف تجاری استفاده می‌شود. طبق مطالعات انجام شده، همین تفاوت موجب افزایش ثبات اقتصادی در مواقعی است که از بانکداری اسلامی در سیستم پولی استفاده شده است. در این مطالعه، ضمن بیان مزایای نظام بانکداری اسلامی، به بررسی رابطه بین تسهیلات اعطایی بانک‌ها (در قالب عقود اسلامی) و نوسانات تولید پرداخته شود.

مدافعان سیستم بانکداری اسلامی بر این باورند که سیستم‌های مالی اسلامی برخلاف سیستم‌های مالی سنتی، مانع از وقوع بحران‌های دوره‌ای پیاپی و تبعات پرهزینه آنها می‌شوند. اقتصاددانان مشهوری چون فیشر^۱ و هیمین مینسکی^۲ عامل اصلی رکودهای اقتصادی را بدهی بسیار سنگین با وام با بهره بسیار بالا (که موجب سفته‌بازی می‌شود) می‌دانند.

خلق پول در نظام بانکداری اسلامی، بیشتر بر مبنای پدید آوردن سهم و کمتر بر مبنای پدید آوردن بدهی صورت می‌پذیرد و به همین دلیل، بانکداری اسلامی از ثبات بیشتر و ریسک کمتری در مقایسه با بانکداری ربوی برخوردار، و فاقد ریسک ناشی از نرخ بهره است. نبود این ریسک، موجب نوسانات اقتصادی کمتر و ثبات اقتصادی بیشتر است؛ همچنین در نظام بانکداری ربوی، ویژگی‌هایی چون سفته‌بازی، عدم همزمانی تعهدهای بانک با دریافتی‌ها و بی‌ثباتی‌های مالی ناشی از پدید آمدن بازارهای بدهی به وجود می‌آید؛ درحالی‌که نظام بانکداری اسلامی، این ویژگی‌های بی‌ثبات‌کننده اقتصادی را ندارد. برابری تعهدهای پرداخت با دریافتی‌ها، یکی از دلایل ثبات بانکداری اسلامی است. نظام بانکداری اسلامی، توانایی جذب شوک‌های واقعی اقتصاد را از راه پدید آوردن تغییر مناسب در هزینه سرمایه فراهم می‌کند. با تغییر سودآوری در نظام بانکداری اسلامی، هزینه تأمین سرمایه نیز مطابق با سود تغییر می‌کند؛ اما در نظام بانکداری ربوی ممکن است نرخ بهره متناسب با تغییر سودآوری تغییر نکند و همین امر، واکنش‌های شدید در تقاضای تأمین مالی را در پی خواهد داشت و در نتیجه منجر به بحران‌های مالی شود، و علاوه بر این، خرید و فروش وام با نرخ‌های بهره به صورت مکرر موجب توسعه بازار بدهی می‌شود و ریسک نکول (عدم بازپرداخت وام) را افزایش می‌دهد و منجر به بحران مالی می‌شود؛ درحالی‌که نظام بانکداری اسلامی به جهت اصل مشارکت در سود و زیان، دچار گسترش بازار بدهی نمی‌شود.

در نظام بانکداری ربوی، بخش اعتباری مستقل از بخش واقعی شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که هر یک از دو بخش، راه و اهداف خاص خود را دنبال می‌کند و در نتیجه، ممکن است رشد دو بازار هماهنگی لازم را نداشته باشد و یک بازار، رشد بیشتری نسبت به بازار دیگر داشته باشد؛ اما در نظام بانکداری اسلامی، هماهنگی بین بخش

1. Fisher
2. Minsky

اعتباری و بخش واقعی شکل می‌گیرد، به گونه‌ای که رشد بازار مالی تابعی از رشد بخش واقعی است.

در بررسی نتایج حاصل از برآورد مدل و طی دوره زمانی مورد مطالعه، مشخص شد در مورد هر سه نوع بانک (دولتی، تجاری و تخصصی و غیردولتی)، تسهیلات اعطایی بانک‌ها، چه در قالب تسهیلات مشارکتی و چه، به صورت تسهیلات مبادله‌ای، دارای رابطه معنی‌دار با نوسانات تولید نمی‌باشد. با توجه به اینکه ادعا می‌شود نظام بانکداری کشور، بانکداری اسلامی و بدون ربا می‌باشد، این نتیجه، با نتایج مطالعات انجام شده، مطابقت ندارد؛ یعنی اگر نظام بانکداری کشور از نوع بانکداری اسلامی می‌بود، باید رابطه بین تسهیلات اعطایی بانک‌ها و نوسانات تولید، مثبت و معنی‌دار می‌شد. بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که حداقل در دوره مورد بررسی، بانکداری بدون ربا در نظام بانکداری کشور به مرحله اجرا درنیامده است. متأسفانه نظام بانکداری غیرربوی فقط تغییراتی در برخی مواد قانونی ایجاد نموده است ولی در نظام عملیاتی، تغییر اساسی ایجاد نکرده و در واقع، بدنه بانک می‌بایست متناسب با روح آن تغییر می‌یافت. حتی در عمل به وظایف قانونی، گاه دچار انحراف، و موجب گسترش عملیات صوری و فاکتورسازی می‌گردد.

تجربه عملکرد نظام بانکی در سه دهه اخیر، حکایت از مشکلات اساسی در شناسایی و تقسیم سود در عقود مشارکتی داشته و بانک‌ها را به نظام بانکی سنتی برای تأمین مالی و اخذ سود دوران معطلی سرمایه تبدیل کرده است. راهبرد بلندمدت نظام بانکی در رفع این چالش اساسی، حرکت به سمت بانکداری اسلامی و ورود به عرصه مشارکت در سود و زیان واقعی است تا از این طریق، شبهات حاکم در نظام بانکی مرتفع شود.

بنابراین پیشنهاد می‌گردد:

- کاهش نرخ بهره تسهیلات با توجه به نرخ تورم، برای پوشش ریسک جهت به‌کارگیری وجوه در تولید؛
- تدوین قوانین و مقررات بانکداری اسلامی متناسب با سایر بخش‌های نظام بانکی فعلی، به منظور قابل اجرا شدن مقررات و جلوگیری از گریز از قانون؛
- نظارت بانک‌ها به منظور به‌کارگیری وجوه دریافتی از بانک‌ها در موارد و زمینه‌های درخواست شده توسط متقاضیان.

منابع

- احمدی حاجی‌آبادی، روح‌اله و بهاروندی، احمد. (۱۳۹۰). راهکارهای اجرای صحیح عقود مشارکتی در نظام بانکی ایران. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال دهم، شماره ۳۸: ۱۴۶-۱۱۹.
- رضایی، مجید. (۱۳۸۴). بانکداری بدون ربا و تثبیت اقتصادی. *اندیشه حوزه*، سال یازدهم، شماره سوم.
- سایه میری، علی؛ محمدی عسکری‌آبادی، سمیرا و داب، آسیه. (۱۳۹۳). تحلیلی بر ثبات اقتصادی در بانکداری بدون ربا. *فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره ۶: ۱۱۶-۱۰۳.
- شایگانی، بیتا و عبدالهی ارانی، مصعب. (۱۳۹۰). بررسی ثبات در بخش بانکی اقتصاد ایران. *فصلنامه جستارهای اقتصادی*، شماره ۱۶: ۱۶۸-۱۴۷.
- عیوضلو، حسین و میسمی، حسین. (۱۳۸۷). بررسی نظری ثبات و کارآیی در بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۱: ۱۸۹-۱۶۱.
- عیوضلو، حسین و میسمی، حسین. (۱۳۹۰). نقش نظام بانکداری اسلامی در ایجاد ثبات مالی در سطح کلان. *ویژه نامه بانکداری اسلامی*، شهریور ۱۳۹۰: ۸۶-۹۰.
- موسویان، سید عباس. (۱۳۸۱). آثار اقتصادی جایگزینی نظام مشارکت به جای نظام بهره. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۵: ۸۶-۵۹.
- محرابی، لیلا. (۱۳۹۰). عملکرد ابزارهای تأمین مالی در نظام بانکداری بدون ربا در ایران. *تازه‌های اقتصاد*، سال نهم، شماره ۱۳۲: ۱۰۹-۱۰۲.
- ناهیدی امیرخیز، محمدرضا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین بی‌ثباتی اقتصادی و توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران. *مجله مطالعات جامعه‌شناسی*، شماره بیستم: ۱۱۵-۱۲۸.
- Ahmed, H. (2005). *Operational structure for Islamic equity finance-lessons from venture capital* (No. 212). The Islamic Research and Teaching Institute (IRTI).

- Al-Fawwaz, T. M., Alawneh, A., & Shawaqfeh, G. N. (2014). The impact of Islamic finance on some macroeconomic variables. (A case study of Jordan Islamic Bank). *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business* 7 (1), 236, 278.
- Dar, H.A. and J.R. Presley. (2000). Concentration and other determinants of bank profitability in Europe, North America and Australia. *Journal of Banking & Finance*, 13(1), 65-79.
- Hassoune, A. (2002). Islamic banks' profitability in an interest rate cycle. *International Journal of Islamic Financial Services*, 4(2), 1-13.
- Tabash, M. I., & Dhankar, R. S. (2014). Islamic banking and economic growth: An empirical evidence from Qatar. *Journal of Applied Economics and Business*, 2(1), 51-67.
- Sarwer, M. S., Ramzan, M., & Ahmad, W. (2013). Does Islamic banking system contribute to economy development? *Global Journal of Management and Business Research*, 13, 59-67.